

زمان را هرچه صدا کردم، برنگشت

نقدی بر ترجمه کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته»

نوشته مارسل پروست، ترجمه مهدی سبحانی

نسترن یثربی نژاد*

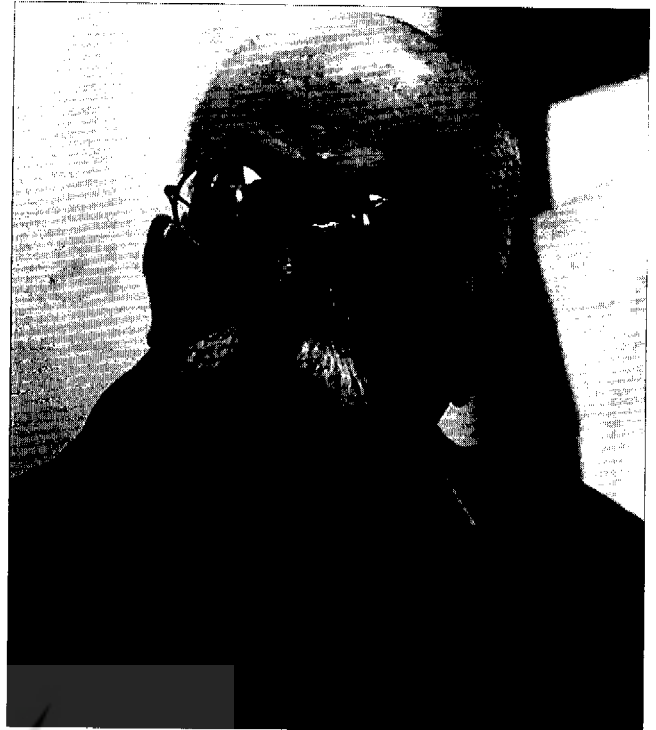
بنابراین ما با ترجمه اثری بس دشوار و تقریباً دست‌نیافتنی روبه‌رو هستیم، ترجمه‌ای شعرگونه که به‌سان موسیقی است و تمامی تم‌های حسی، عاطفی و ادبی اثر را نیز بیان کند و درعین‌حال معرف اولین رمان مدرن نیز هست، اما به‌جز این مسائل موانع دیگری نیز در کار است، این‌که واژه‌ها آن‌گونه که آرزو داریم راه خود را به‌سوی مخاطب نمی‌گشایند و آن وضوح بی‌شائبه‌ای را که خواننده طالب آن است را ندارند.

اما با تمامی این مشکلات، مهدی سبحانی تنها کسی است که تا به امروز توانسته است با عشق و شهامت و توانایی فوق‌العاده و بی‌نظیر خود از دلان‌های بی‌نشان این اثر بگذرد و کار را به سامان برساند. ترجمه در جستجوی زمان از دست رفته، ترجمه یک رمان معمولی و یا یک دیوان شعر نیست بلکه ترجمه اثری مدرن، روان‌شناسانه، فلسفی، اجتماعی، هنری، احساسی و بالاخره ترجمه اثری ماورای زمان است. در واقع ترجمه یک نقد و تحلیل روان‌شناسانه، هنری و فلسفی است. ولی با تمامی این خصوصیات و موانع اگر ترجمه را خود یک خلاقیت و اثر ادبی جدا از اثر اصلی بدانیم، سبحانی به خوبی هزارخانه‌های پر پیچ

شاید به جرأت بتوان گفت که مارسل پروست بزرگترین نویسنده قرن بیستم فرانسه است. او با خود موجی نو از روان‌شناسی، فلسفه و نقد به همراه آورد. کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته» یک رویکرد روان‌شناسانه است که لایه‌های حسی، عاطفی و ادبی عظیمی در آن نهفته و یکی از ستون‌های اصلی ادبیات معاصر محسوب می‌شود. کتابی که یک‌باره چون کلید رمزی ظاهر شد و ما را به اعجاز بی‌نظیر پروست در ژرف‌نگری و دقت بیان رساند و بدون شک در ادبیات معاصر، همانندی ندارد.

جملات طولیل و عریض مارسل پروست زینزد همگان است. شاید یک جمله چندین صفحه را در برگیرد، به این ترتیب که با استفاده از علامت‌گذاری‌های مخصوص، مانند: ویرگول، خط تیره یا پرانتزهای فراوان و یا بکارگیری صفات موصولی، اسم فاعل، اسم مفعول و استعاره‌های متوالی، جملات را خلق کرده که در کنار جملات کوتاه و موجز ریتم و آهنگ خاصی را می‌آفرینند که به‌سان موسیقی است. به همین علت نثر پروست شعرگونه است.

کتاب



مختلف، متفاوت است هر واژه برشی از یک واقعیت است که در زبان‌های گوناگون، یکسان نیست و شاید تاری و مه‌آلودگی ترجمه این اثر بس عظیم و دشوار نیز از این امر و فاصله زبان‌ها ناشی شود ولی با وجود این فاصله نه چندان کم، مترجم با وسواس بی‌نظیرش اثر را مجدداً خلق کرده و ما را حیران با یک آفرینش بی‌نظیر و جاودانه ادبی روبه‌رو گردانده است.

ترجمه عنوان کلی کتاب در جست‌وجوی زمان از دست رفته، خود گویای این مطلب است، ایشان واژه «perdu» را از دست رفته ترجمه کرده‌اند، که زمان از کف می‌رود که می‌رود که می‌رود و حتی نیم‌نگاهی به پشت‌سر و مانمی‌اندازد. ترجمه عنوان کلی کتاب یادآور دیوان اشعار «شارل بودلر»^۳، پیشرو مکتب سمبولیسم است. (منظور دیوان گل‌های رنج است).

«MAL» واژه در عنوان دیوان اشعار مکتب سمبولیسم مفاهیم چندگانه‌ای دارد که برای پروست بیش‌از هر چیز معنای «رنج» بود، او بیش‌از هر چیز درد دل‌انگیز نهفته در «گل‌های رنج»^۴ را می‌ستود، بنابراین مترجم با ترجمه دقیق و لطیف و زیبایی از عنوان کتاب، ما را به سکوت تحسین‌برانگیزی وامی‌دارد و یا می‌توان به عنوان کتاب دوم، «در سایه دوشیزگان شکوفه»^۵ اشاره کنیم که یادآور اشعار عاشقانه «پیر رنسر»^۶، پیش‌تاز تاریخی مکتب رومانسیسم است و کاملاً گویای تصویر دختران و گل‌ها و ربطشان به تمنای عاشقانه است.

بنابراین می‌بینیم که در ترجمه، دشوارترین قسمت‌ها یعنی عنوان نیز کاری کرده کارستان. مهدی سبحانی، ترجمه این بنای عظیم خاطرات را با وفاداری موشکافی و دقت به پایان رسانده که خود نیز آینه‌ای کمابیش صاف و روشن است از این بنای عظیم

از ورای این ترجمه عظیم و بی‌همتا به سرزمین‌های درماندگانه فراموشی مانده، به جست‌وجو، یکی از اصلی‌ترین موضوعات اثر می‌رسیم، به تکاپوی دردناک و پایان‌ناپذیر انسان‌ها که منجر به تجلی پرتو خیره‌کننده‌ای از یک حقیقت ناب است. به زمان، اصلی‌ترین موضوع اثر، به فرسایندگی، به گذرای مرگبارش، به تاراج رفتگی‌اش که به‌سان گوهر گمشده‌ای است، به خلل‌های حافظه، به فراموشی، به زندگی به یارای احساسات و خاطرات و شتاب عشق و دلدادگی و گرایش آن به سردی، به تلاش‌های بی‌پایان انسان در تند باد زندگی، به خوشبختی دست‌نیافتنی، به من‌های متوالی، به میرایی انسان، به نگاه عقاب‌گونه نویسنده در برابر هستی و بالاخره به اندیشه آفرینش یک اثر هنری و شناخت و تحلیل و نقد هنر در برابر سیلاب نیستی که تمامی بیانگر تلاشی شجاعانه از مترجمی بزرگ، عاشق و فرزانه است برای ترسیم تصویری از بنای عظیم خاطرات، تصویری عظیم از جست‌وجو در دالان‌های بی‌نام و نشان زندگی برای گوهر تاراج‌گشته زمان. یادش گرامی □

* دکتر بفری‌نژاد، استادیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

پانوشت:

۱. A La Recherche du Temps Perdu. ۲. Claud Simon. ۳. Charles Baudlaire.

۴. Les Fleurs. du Mal. ۵. Al Ombre Des Jeunes Filles en Fleurs.

۶. Pierre Ronsard.

و خم و مه‌آلود را پشت‌سر نهاده، گویی ترجمه از اثر اصلی زاده شده، پس مستقل است و خصوصیات خاص خود را دارد.

وفاداری مترجم نسبت به سبک نوشتار پروست قابل تحسین است حتی علامت‌گذاری‌های متن عیناً در ترجمه به چشم می‌خورد و به هیچ‌وجه تغییری در سبک نویسنده به وجود نیامده و شاید به جرأت بتوان گفت که اگر کسی به خواندن ترجمه کتاب بدون در نظر گرفتن نام نویسنده، بپردازد حتماً به ردپایی از پروست خواهد رسید، نه این‌که جملات بلند و طولانی پروست خواننده را به این منظور برساند، چرا که جز پروست، هستند نویسندگان دیگر که از این ویژگی برخوردارند، «کلود سیمون»^۲، رمان‌نویس نو جملات بسیار طولانی دارد که شاید هر جمله یک صفحه یا بیشتر باشد. اما با خواندن ترجمه در جست‌وجوی زمان از دست رفته، نامی جز پروست به ذهن تداعی نمی‌شود. ساختار آهنگین و موزون و شاعرانه پروست مشخص و متمایز است. در واقع مترجم با وفاداری کامل نسبت به حفظ ساختار متن، از مفاهیم و موضوعات نیز غافل نگشته، یعنی هم به لفظ وفادار بوده و هم به معنی، هم به قالب و هم به محتوا. اگر ترجمه را با متن اصلی مقایسه کنیم به آسانی درمی‌یابیم که کدام جمله در مقابل کدام جمله قرار گرفته، با این حال مترجم هیچ معنی و مفهومی را فرو نگذاشته. اما به غیر از لفظ و معنا چیز دیگری هم هست و آن چیزی نیست مگر روح اثر، آن خلجان‌ها، آن عواطف و حالاتی که از اعماق نویسنده برخاسته و ترجمه‌شان جوششی درونی می‌طلبد. درست است که ترجمه یک فن است و مانند هر فنی برای اجرا به مقدماتی مانند تسلط به زبان‌های میبداء و مقصد نیاز دارد ولی یک هنر هم هست که نیازمند ذوق و جوششی عمیق و درونی است، در این مورد نیز سبحانی کم و بیش موفق بوده است اما نباید فراموش کرد که هر زبان مختصات خاص خود را دارد و مجموعه‌ای از قوانین هر فرهنگ است. نوع استدلال در زبان‌های